Quran and Hadith Studies **علوم قرآن و حدیث**

HomePage: https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 55, No. 2: Issue 111, Autumn & Winter 2023-2024, p.209-232

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 17-01-2023 Revise Date: 10-06-2023 Accept Date: 12-06-2023

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.80675.1456 Article type: Original

The Expected Approach to Deal with Corruption in the Holy Quran Based on a Moral Account

Ahmad Alinejad

PhD student, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Dr. Ahmad Rafiei (corresponding author)

Assistant Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Email: dr.ahmadrafiei@yahoo.com

Dr. Seyyed Hojatullah Alam Al-hoda

Visiting Professor, Islamic Azad University, North Tehran Branch

Abstract

One of the constant concerns of the human society, which is especially studied by legal and social science experts today and is interpreted as a basic feature of a decent governance, is dealing with the phenomenon of corruption. The fundamental and basic confrontation with political, social, cultural and economic problems is not possible except in terms of ethical measures, and the Holy Quran is considered as a unique source to provide moral models for the human political and social life. Therefore, the main question of the research is as "What kind of approach does the Holy Quran offer for dealing with the phenomenon of corruption, and what ethical approaches does it suggest for determining the effective strategies in managing this issue"?

Through an analytical method and by scrutinizing the verses of the Holy Quran and the related exegeses, this article has come to this conclusion that the Holy Quran has prepared a comprehensive moral system to deal with the phenomenon of corruption in at least three levels (warning, restoration and establishment).

Keywords: Holy Quran, ethical approach, dealing with corruption, strategies

Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۳۲ - ۲۰۹

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.80675.1456

نوع مقاله: پژوهشی

رویکرد مطلوب مقابلهٔ با فساد در قرآن کریم
مبتنی بر خوانشی اخلاقی

احمد علی‌نژاد

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

دکتر احمد رفیعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

Email: dr.ahmadrafiei@yahoo.com

دکتر سید حجت‌الله علم‌الهدی

استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

چکیده

از دغدغه‌های مستمر جامعهٔ بشری که امروزه به‌طور ویژه مدِّنظر صاحب‌نظران حقوق و علوم اجتماعی قرار گرفته و از آن به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حکمرانی شایسته تعبیر می‌شود، مقابلهٔ با پدیدهٔ فساد است. مواجههٔ بنیادین و اساسی با آسیب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جز با لحاظ تمهیدات اخلاقی امکان‌پذیر نیست و قرآن کریم به‌عنوان منبعی بی‌نظیر به‌منظور ارائهٔ الگوهای اخلاقی در قلمروِ زیست سیاسی و اجتماعی انسان قلمداد می‌شود، لذا پرسش اصلی تحقیق بر این گزاره اتکا دارد که قرآن کریم برای مقابلهٔ اساسی با پدیدهٔ فساد چه جهت‌گیری را ارائه می‌کند و رویکرد آن برای تعیین راهبردهای مؤثر در مقابلهٔ با فساد، شامل چه رهیافت‌های اخلاقی می‌شود؟

حاصل این نوشتار با روش تحلیلی و تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن عبارت است از اینکه: قرآن کریم حداقل در سه ساحت (تخویفی، ترمیمی و تأسیسی)، نظام اخلاقی جامعی را برای مقابلهٔ با پدیدهٔ فساد تدارک دیده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، رویکرد اخلاق‌شناختی، مقابلهٔ با فساد، راهبردها.

مقدمه

«فساد» مقوله‌ای است فراگیر که در تمامی نظام‌های اجتماعی رؤیت‌شدنی است و همهٔ طبقات جامعه و نهادهای حاکمیتی را در تمامی وضعیت‌ها متأثر می‌سازد.[۱] این مسئله مربوط به زمان حال نیست و تاریخ حیات بشری از دوران باستان و پس از آن بدان دچار بوده است، اما به‌میزان ترقی اندیشه‌های حقوقی و اخلاقی در عرصهٔ حکمرانی به‌حسب تمرکز قدرت و ثروتِ در اختیار حکومت‌ها، مقابله با این عارضه نیز بیشتر محل توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم سیاسی و اجتماعی قرار گرفت؛[۲] تاجایی‌که امروزه میزان کارایی حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌های عملیاتی و کاربردی مقابله با فساد، از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب و شایسته است. توضیح اینکه، میزان آمیختگی یک نظام اجتماعی و سیاسی با فساد، تأثیر مستقیمی در ارزیابی وضعیت عملکردی آن نظام دارد؛ به هر میزان فاصلهٔ حکمرانی از آن بیشتر باشد، شاخص مثبت آن بیشتر است و جامعه به‌سمت مؤلفه‌هایی از این دست به پیش می‌رود: رفاه، توسعهٔ پایدار، اعتماد و ثبات اجتماعی. همچنین به هر میزان جامعه‌ای بدان مبتلا باشد، از شاخص‌های حکمرانی مطلوب فاصله می‌گیرد و به موقعیت نامطلوبی مبتلا می‌شود.[۳] بنابراین، به‌دلیل تأثیر مهم این مقوله در رشد و شکوفایی مادی و معنوی جامعه، مطالعه در قلمروِ راهکارهای مناسبِ تضعیف‌کنندهٔ فساد و عوامل بسترساز بروز آن، امری غیرقابل مسامحه و راهبردی است.

باوجود پیشرفت‌های حقوقی چشمگیر در زمینهٔ مقابله با فساد، نکتهٔ درخورِ توجه این است که همچنان این موضوع، چالشی اصلی در ایجاد نظام‌های حقوقی و سیاسی کارآمد است و مهم‌ترین مانع در برقراری نظام مناسباتی عادلانه به شمار می‌رود. نظر به اینکه مواجههٔ مؤثر در برابر این آسیب، جز با تدقیق در عوامل تکوین نظریات حقوقی و سیاسی ممکن نیست، نگارندگان برآنند تا با تتبع در مضامین اخلاقی قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی پرورش اندیشه‌های حقوقی و اجتماعی شریعت اسلام، رویکرد مطلوب برای مقابله با فساد را ارائه کنند.

سرشماری مادهٔ «ف س د» در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد این ریشه با تمام مشتقاتش، ۵۰ مرتبه در ذیل ٤۷ آیه آمده است.[٤] این تعدد استعمال و هم‌نشینی آن با زوج متضادش؛ یعنی مفهوم صلاح، به‌خوبی از اهمیت مسئلهٔ مقابله با فساد در قرآن کریم حکایت می‌کند. لازم به ذکر است که برای فساد در قرآن کریم

---

۱. ابراهیم‌آبادی، «فساد در نگاهی دیگر: تأملی چندجانبه در مقولهٔ فساد»، ۲.

۲. عسکری پورحبیب، «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، ۲.

۳. عسکری پورحبیب، «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، ٤.

٤. نگارندگان در این تحقیق بر واژهٔ فساد متمرکز هستند و واژگان جانشین آن در قرآن کریم؛ نظیر «سیئه»، «ظلم» و... از محل بحث خارج‌اند. مخاطبان برای مطالعهٔ بیشتر در خصوص حوزهٔ معنایی مفهوم فساد و نسبت آن با مفاهیم مشابه آن در قرآن کریم، نک: فتاحی‌زاده و شیردل، «معناشناسی توصیفی فساد در تفسیر آیات قرآن کریم». ۳۵تا٤۰.

دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است که به‌اعتبار محل ظهور فساد، شامل «اعمال انسانی» و «وجود خارجی» و به‌اعتبار کیفیت ظهور آن، شامل «فساد تکوینی» و «فساد تشریعی» می‌شود.[۵] در معنای فساد تکوینی، بشر در ایجاد آن دخالت ندارد و ناشی از دگرگونی و ممات در عالم وجود است، لیکن فساد تشریعی، به دست بشر پدید می‌آید و به‌سبب آن، ارزش‌های دین و جامعه پایمال می‌شود و وضعیت جامعه از حالت مطلوب به نامطلوب تغییر می‌یابد. بدیهی است گونهٔ نخست از فساد از محل بحث خارج است و آنچه مدِّنظر قرار دارد فساد تشریعی است.[۶]

بر این اساس، نگارندگان با این فرضیه که کثرت آرا و نظریات صاحب‌نظران معاصر دراین‌باره نتوانسته است نیاز بشر را از معارف نامتناهی الهی برطرف سازد و قرآن کریم به‌عنوان منبعی جامع برای استخراج الگوهای مطلوب حکمرانی می‌تواند موجد راهبردهای تعیین‌کننده دراین‌باره باشد، در مقام پاسخ به این پرسش برآمده‌اند که قرآن کریم برای مقابلهٔ اساسی با پدیدهٔ فساد چه جهت‌گیری را ارائه می‌کند و رویکرد آن به‌منظور تعیین راهبردهای مؤثر در مقابله با فساد، شامل چه رهیافت‌های اخلاقی می‌شود؟

تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن، موجد این رهیافت است که قرآن کریم حداقل در سه ساحت، نظام اخلاقی جامعی را برای مقابله با پدیدهٔ فساد تدارک دیده است. این مهم که با رویکرد تحلیل محتوا و با روش مطالعهٔ کتابخانه‌ای در قلمروِ علوم قرآنی به انجام رسیده، در سه ساحت صورت‌بندی شده است: تخویفی و ترمیمی و تأسیسی.

۱. مقابله با فساد در ساحت رویکرد تخویفی

«تخویف»، از ریشهٔ (خ و ف) و اهل لغت آن را به‌معنای ترسانیدن و بیم‌دادن[۷] تعریف کرده‌اند. همچنین برخی در توضیح این تعبیر، آن را انتظار عاقبت و امری ناپسند باتوجه‌به نشانه‌ای محتمل یا معلوم و قطعی دانسته‌اند.[۸]

در تبیین معنای اصطلاحی تخویف در قرآن کریم نیز باید اشاره کرد که مفهوم مذکور و مشتقات آن، ۱۲۲ مرتبه در آیات متعددی تصریح شده[۹] و این کثرت استعمال، مؤید این استدلال است که تخویف و انذار از جایگاه مهمی در نظام اخلاقی و هدایتی اسلام برخوردار است.

در توضیح نسبت تخویف با مفاهیم مشابه آن، نظیر خشیت، لازم به توضیح است که برخی

۵. مصطفوی، تفسیر روشن، ۹۱/۹.
٦. طباطبایی، المیزان، ۱٤۳/۲.
۷. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۳۰/۲.
۸. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب‌القرآن، ۳۰۳.
۹. حداد عادل، دانشنامهٔ جهان اسلام، ٤٦۹.

لغت‌شناسان، خشیت و خوف را به یک معنـا گرفته‌انـد[۱۰] و بعضـی دیگـر، تفـاوت ایـن دو مفهـوم را در آن دانسته‌اند که خشیت، ناشی از تأثر قلب از بدی و شری است کـه بـه فـرد روی آورده اسـت و خـوف، تـأثر عملی است؛ به‌معنای اقدام برای تمهید و تهیهٔ وسیله‌ای که به‌کمک آن از محذور امان یابند، هرچنـد قلـب متأثر نشود.

با توضیح مزبور می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رویکرد تخویفی، مطلق خطاباتی است کـه خداونـد متعال در هیئت انذار و هشدار راجع به عواقب امور، به‌منظور هدایت انسان‌ها تشـریع کـرده و به‌وسـیلهٔ آن، داعی لازم بر ترک محرمات و مناهی دینی ایجاد می‌شود. باتوجه‌به موضوع نوشـتار، ایـن رویکـرد بـه‌عنوان نخستین راهبرد قرآن کریم در نسبت با مقولهٔ فساد تحلیل و بررسی و عواقب ناشی از فساد تشریح می‌شود. باتوجه‌به نسبت تخویف با مفهوم تعذیب؛ بدین صورت که آنچه تضمین‌کنندهٔ ترتیب اثر تخویف و هشـدار توسط مکلف است، عقوبت و عذابی است که درنتیجهٔ اعراض از انذار حاصل می‌شود.[۱۱] این مهـم، در دو گفتار با تأکید بر تبعات دنیوی و تبعات اخروی تبیین خواهد شد.

۱. ۱. رویکرد تخویفی با تأکید بر تبعات دنیوی

احکام اسلام، تابع مصالح و مفاسد واقعی است و پیروی از دستورات خداوند و اهل بیت، تأمین‌کنندهٔ سعادت و کامیابی و نافرمانی ایشان، سبب شقاوت و ناکامی است. بنابراین، آثـار و تبعـات دنیـوی اعمـال انسان به میزان پایبندی او به احکام الهی بستگی دارد و در واقع، رفتار آدمی سرنوشت حیات این‌جهـانی او را می‌سازد.[۱۲] ازجمله مضامین پرتکرار که خداوند متعال در قرآن کریم بدان توجه داشته است، انذار راجـع به آثار دنیوی فساد بوده است. خطاب‌های باری‌تعالی در این خصوص در دو محور درخورِ بررسی اسـت: اولاً، آیاتی که مستقلاً و مستقیماً به تبعات دنیوی فساد اشاره داشته‌اند؛ ثانیاً، آیاتی که غیرمستقیم و در هیئت قصص و داستان‌های اقوام و نحل پیشین در خصوص عوامل فساد انذار داده‌اند.

۱. ۱. ۱. زوال اسباب حیات مادی بشر

در تشریح طیف نخست از آیات می‌توان به نابودی اسـباب معـاش و حیـات بشـری بـه‌عنوان یکـی از تبعات مستقیم فساد اشاره کرد که خداوند در آیهٔ «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَايُحِبُّ الْفَسَادَ» (بقره: ۲۰۵)؛ و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد و زراعت و نسل را نابود کند و خدا فساد و تبـاهی را دوسـت

۱۰. عسکری، الفروق فی اللغة، ۲۳۵.

۱۱. صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم.

۱۲. عبدالمحمدی، «آثار دنیوی گناه»، ۷۶.

ندارد.

در مقام تحلیل واژگانی باید اشاره داشت: مراد از «حرث»، کل نبات و مراد از «نسل»، کل ذات[۱۳] و «هلاک» نیز به زوال انتفاع مطلوب از شیء معنا شده است که به دو صورت، تصورشدنی است: ۱. هلاکت در حرث و نسل به‌دلیل سوءاختیار عوامل انسانی بروز می‌کند و با مزاحمت در فعالیت‌های اجتماعی، اسباب تعطیلی صنایع و ویرانی مزارع را ایجاد می‌کند؛ ۲. آن نوع هلاکتی است که به‌دلیل زیادی معصیت و علنی‌شدن ظلم، خداوند برکات آسمان و زمین را حبس و بلاها را بر جماعت طاغی نازل می‌کند.[۱٤]

صاحب تفسیر المنار، هلاکت حرث و نسل را رنج و آزار شدید صادرشده از شخص مفسد می‌داند که از باب تمثیل ذکر شده است و معنای آن را آزار بدون قید و شرط شخص مفسد برای ارضای شهواتش می‌داند، ولو اینکه همهٔ ملک و زمین برای دستیابی او به مقصود باطلش خراب و نابود شود.[۱٥]

منافق یا طاغی و باغی تا زمانی که به قدرت نرسیده‌اند داعیهٔ اصلاح‌طلبی دارند؛ اما چون به منصبی دست یابند به فساد در زمین می‌پردازند و در عرصهٔ اندیشه، با القای شبههٔ الحاد، ساده‌لوحان را متزلزل می‌کنند و در عرصهٔ عواطف با ایجاد وسوسه، محبت‌ها و همدلی‌ها را به اختلاف و دشمنی مبدل می‌کنند و اگر بتوانند با جاسوسی برای بیگانگان و شعله‌ورکردن آتش جنگ در گسترهٔ زمین، ناامنی و مرگ را جایگزین امنیت و حیات می‌کنند و ازنظرِ فرهنگی، سیر ترقی و رشد علمی جامعه را متوقف می‌کنند و همهٔ منابع اقتصادی و انسانی را به نابودی می‌کشند و جامعه را فاسد و حرث و نسل را تباه می‌سازند.[۱٦] معنای مستنبط از آیات فوق، مورد تصدیق تاریخ قرار گرفته است؛ چنان‌که در تاریخ اسلام نیز افرادی زعامت امور را برعهده گرفته که ثمرهٔ تصرفات ایشان در امر دین و دنیا، سبب انحطاط مسلمانان و تفرق در امت اسلام شد.[۱۷]

در این آیه، نشانه‌های دشمنی افراد مفسد و منافق و طاغی را چنین بیان می‌دارد که: می‌کوشند منابع اقتصادی؛ اعم از کشاورزی، دامداری، صنعت و نیروی انسانی را نابود سازند، یعنی هم امنیت و آرامش فکری و وحدت ملی را از میان ببرند و مردم را به جان همدیگر بیندازند و هم استقلال اقتصادی را که به حرث و نسل وابسته است به خطر بیندازند تا جامعهٔ اسلامی از هر نظر به فساد و تباهی گرفتار شود.[۱۸]

۱۳. طوسی، التبیان، ۱۸۱.
۱٤. سبزواری، مواهب الرحمن، ۲۱۷/۳.
۱٥. رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۹۹/۲.
۱٦. جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ٥٦.
۱۷. طباطبایی، المیزان، ۹۷/۲.
۱۸. جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ۳۲.

بنابراین، قرآن کریم با بیان تالی فاسدِ زعامت امور به دست افـراد ناشایسـت در جامعـه، جوامـع بشـری را نسبت به این ابتلا تحذیر می‌کند.

۱. ۱. ۲. اختلال در انتظام امور

از دیگر تبعات فساد در عرصهٔ دنیا که خداونـد در خصـوص آن انـذار داده اسـت، برهم‌خـوردن نظـم جهانی است.

قرآن کریم دراین‌باره می‌فرماید: «وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّـمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَـنْ فِـيهِنَّ.»[۱۹] «هوی» به‌معنای شهوت، اما نه شهوت غذا و آب و مانند آن؛ بلکه شهوتی در عِداد محرمات کـه بـرخلاف مقتضای فطرت باشد و با بروز آن، اصول انتظام عوالم مختل خواهـد شـد و هـر نظـام و قـانونی را منهـدم می‌سازد.[۲۰] در واقع، اگر حق پیروِ هوا و هوس ایشان باشد، نظام کیهانی مختـل و روابطـی متنـاقض جـای نظام کامل هستی را می‌گیرد که این تغییر، مساوی با فساد عالم خواهد بود.[۲۱]

۱. ۱. ۳. ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی

ازجمله تبعات دنیوی فساد، ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی است که خداوند در آیهٔ کریمه به آن اشاره فرموده است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»؛[۲۲] تبهکـاران، نـه‌تنها خشـکی‌ها را بـه تباهی کشیده‌اند؛ بلکه دریاها را هم آلوده کرده‌اند. چنان‌که در جنگ خلـیج فـارس دریـا هـم آلـوده شـد و انسان معاصر با داشتن قانون محیط سالم و زیست، در اثرِ نداشتن اخلاق نه در خشکی به سلامت زیسـت و نه در دریا از سلامت بهره برد.[۲۳]

مراد از بحر و بر: «سوءالأحوال فی ما ینتفع به الناس من خیرات الأرض، برها و بحرها.» فساد زمین با فقدان منافع آن و حدوث مضار آن اتفاق می‌افتد؛[۲۴] ازجمله مضار عبارت‌اند از: قحطی و افزایش مرگ‌ومیر در انسان‌ها و تلف‌شدن حیوانات و زیادشدن آتش‌سوزی‌ها و غرق‌شدن در دریاها و خسارت در تجارت.[۲۵]

این آیات نشان می‌دهد که اگر افراد جامعه از رذیلت و فساد آزاد نشوند، هرگز توان تشکیل مدینهٔ فاضله را نخواهند داشت.

قصص قرآنی، دسته‌ای دیگر از اقسام خطاباتی است که خداوند در قالب آن در قرآن کریم انـذار کـرده

۱۹. مؤمنون: ۷۱

۲۰. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۷۶/۱۸.

۲۱. طباطبایی، المیزان، ۴۷/۱۵.

۲۲. روم: ۴۱.

۲۳. جوادی‌آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ۲۳۳.

۲۴. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۶۵/۲۱.

۲۵. زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل، ۴۸۲/۳.

است. داستان‌های قرآن کریم، شیوه و خصوصیات ویژه و منحصربه‌فرد دارد که مختص خود قرآن است و در برآوردن هدف هدایت قرآن مؤثر است و هریک از داستان‌ها را به صحنهٔ تجلی فضایل اخلاقی و ارزش‌های متعالی تبدیل کرده است. قرآن در ساختار قصه‌هایش از اسلوب‌ها و فنون متنوع سود جسته است که تمام این شیوه‌ها و اسلوب‌های هنری در راستای همان هدف اصیل قرآن، یعنی القای هرچه بیشتر معانی و معارف الهی، ابلاغ رسالت انسانی و تصویرگری از سیمای دین و توأم با تبشیر و تخویف راجع به عواقب امور پدید آمده است.[۲۶]

از مهم‌ترین هدف‌های قرآن کریم در نقل قصه‌ها و تاریخ گذشتگان، عبرت‌آموزی است، چنان‌که خداوند در آیهٔ۱۱۱ از سورهٔ یوسف می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ به‌راستی در سرگذشت آنان عبرتی برای خردمندان است.

پس می‌توان گفت که قصص قرآن، آیینه‌ای برای انعکاس حقایق و عوامل موفقیت و شکست، سعادت، شقاوت، سرافرازی و ذلت است.

در بحث تعذیب دنیوی که برای مفسدان در نظر گرفته شده است نیز خداوند در آیات گوناگونی به ذکر سرگذشت مفسدان در امم گذشته اشاره فرموده است که از آن جمله می‌توان به تعذیب دنیوی مفسدان از قوم ثمود اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: «وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَايُصْلِحُونَ»؛ و در آن شهر، نُه گروهک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. خداوند با اشاره به مفسدان این قوم در مقابل مصلحان، در آیات بعد اشاره به تعذیب آنان می‌کند و می‌فرماید: «بنگر عاقبت توطئهٔ آن‌ها چه شد که ما آن‌ها و قومشان همگی را نابود کردیم؛ این خانه‌های آن‌هاست که به‌دلیل ظلم و ستمشان خالی مانده... و آن را نشانه‌ای برای آگاهان قرار داده است.»[۲۷]

۱. ۲. رویکرد تخویفی با تأکید بر تبعات اخروی

بر اساس آموزه‌های دینی ادیان بزرگ توحیدی، خداوند به‌گونه‌ای عادلانه در جهان دیگر بر اعمال و نیات همگان داوری خواهد کرد و هر کسی را متناسب با رفتار دنیوی‌اش محاسبه می‌کند. او به هر عملی، حتی کوچک‌ترین آن‌ها رسیدگی می‌کند و جزای همگان را خواهد داد و ازجمله، برخی گناهکاران را به عذاب جاویدان محکوم خواهد کرد.[۲۸] در کنار پیامدهای دنیوی، آنچه می‌تواند انسان را از گناه باز دارد و او را از آسیب غفلت و گمراهی مصونیت بخشید، آگاهی و شناخت راجع به تبعات اخروی اعمال فسادانگیز

۲۶. شاذلی، فی ظلال القرآن، ۱۹۹.

۲۷. «قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَ بِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ» (نمل: ۴۷) «وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَايُصْلِحُونَ» (نمل: ۴۸) «...فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل: ۵۱) «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل: ۵۲)

۲۸. حجتی، «عذاب جاویدان: عدالت و عشق الهی»، ۲۳۰.

است. بنای خلقت بر صلاح و اصلاح است، لذا در بعضی آیات، خداوند متعال از عنوان دوست‌نداشتن فساد و مفسدان استفاده می‌کند[۲۹] که آیاتی از این دسته‌اند: «و اللّهُ لایُحِبُّ الفَسـاد»[۳۰] و آیهٔ شریفهٔ «... وَ یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَاداً وَ اللَّهُ لایُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ»[۳۱] و...[۳۲] که این ناپسندی و مبغوضیت در قرآن حکیم، ملازم با سخط الهی و نشانگر آن است که خداوند نمی‌خواهد که آن چیز محقق شود[۳۳] که در برخی از آیات بر کیفر سنگین ایشان در آخرت تأکید شده است. در این راستا می‌توان به آیهٔ ۸۸ سورهٔ نحل اشاره کرد که خداوند متعال فرموده است: «الَّذِینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا کَانُوا یُفْسِدُونَ.»[۳۴] زیادتیِ عذابِ آنان بدین سبب است که علاوه بر کفر شخصی، راه سایر مردم را نیز برای تبعیت از اسلام مسدود کرده و انسان‌ها را از هر راهی باز داشته‌اند که به خدا یا اولیای الهی یا حزب او می‌رسد.[۳۵]

در آیهٔ ۳۳ سورهٔ مائده نیز از عذاب عظیم به‌عنوان عقوبت اخروی مفسدان یاد شده است[۳۶] که به‌دلیل بزرگی جنایت این دسته از مفسدان، دلالت بر جمع بین عقوبت دنیوی و عذاب اخروی آن‌ها دارد.[۳۷]

علاوه بر موارد مذکور، آیاتی درخورِ اشاره است که در آن خداوند فاسدان را به‌سبب تباه‌ساختن سرمایهٔ هدایت فطری، مورد لعنت الهی و مستحق منزل‌گاهی ناخوشایند در آخرت معرفی کرده است[۳۸] و لعنت در این آیات، به‌معنای دورکردن از رحمت است،[۳۹] به‌دلیل اینکه حق را کنار گذاشته و در باطل فرو رفته‌اند؛ چراکه سرانجام باطل، جز نابودی و هلاکت نیست.[۴۰]

۲. مقابله با فساد در ساحت رویکرد ترمیمی

خداوند متعال در ارائهٔ راهبردهای مقابله با فساد در کنار رویکرد سلبی مبتنی بر خوف و انذار، به‌منظور

---

۲۹. طباطبایی، المیزان، ۷۷/۱٦.

۳۰. بقره: ۲۰۵.

۳۱. مائده: ٦٤.

۳۲. «وَابْتَغِ فِیمَا آتَاکَ اللَّهُ الدَّارَ الآخِرَةَ وَ لاتَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیَا وَ أَحْسِنْ کَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَیْکَ وَ لاتَبْغِ الْفَسَادَ فِی الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لایُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ» (قصص: ۷۷).

۳۳. طوسی، التبیان، ۱۸۱.

۳٤. «کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به‌دلیل فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم.»

۳۵. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۲۰۰/۱۳.

۳٦. «وَ لَهُمْ فِی الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِیمٌ» (مائده: ۳۳).

۳۷. سبزواری، مواهب الرحمن، ۲۰۳/۱۱.

۳۸. «وَالَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثَاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد: ۲۵) «الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثَاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۲۷).

۳۹. ابن‌کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳۸۹/٤.

٤۰. طباطبایی، المیزان، ۳٤۷/۱۱.

بازسازی نظام ارزشی جامعه، چهارچوب‌ها و موازین اخلاقی و تربیتی ایجابی را مطرح می‌کند که می‌توان از آن به رویکرد ترمیمی تعبیر کرد. همان‌طور که خداوند در آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ اعراف می‌فرماید: «... وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لاَتَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»؛ و موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قومم باش و (آن‌ها) را اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی مکن.

موضوع اصلاح در این آیه، مسائل اجتماعی و جامعه است؛ چراکه هارون(ع)، خود، پیغمبری مرسل و معصوم از معصیت و پیروی اهل فساد بوده، پس قطعاً مقصود آن حضرت از این کلام، نهی هارون از کفر و معصیت نبوده؛ بلکه تذکر مبنی‌بر عدم‌تأثیر از آرای مفسدان در ادارهٔ امور مردم بوده است.[41] درنتیجه، اصلاح هنگامی اتفاق خواهد افتاد که دست عوامل فساد از ادارهٔ جامعه کوتاه شود. بنابراین، رویهٔ قرآن کریم برای مبارزه با فساد در رویکرد ترمیمی در دو سطح درخورِ بررسی است: ۱. تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد؛ ۲. تقویت نظام اراده‌های مقابله با فساد. در سطح نخست، خداوند با معرفی بسترهای فسادزا و تقبیح آن‌ها درصدد تضعیف اراده‌های فسادزا برآمده و در سطح دوم، با تکریم و تقویت بسترهای ضدفساد و ارائهٔ راهکار، نظام اراده‌های انسانی مقابله با فساد را تقویت کرده است. درادامه، ابعاد گوناگون هریک از این دو رویکرد بررسی می‌شود.

۲. ۱. رویکرد ترمیمی مبتنی بر تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد

ازجمله راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با فساد با رویکرد ترمیمی، از جهتی، برشمردن عوامل فسادزا و تقبیح و امر به ازبین‌بردن آن است و از جهتی دیگر، محدودکردن مفسدان است که هر دو با هدف تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد صورت گرفته است.

تدبر در آیات قرآن کریم موجد این رهیافت است که خداوند متعال در گام نخست، به‌منظور تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد، به ارزش‌ها و مبانی معرفتی مؤثر در تکوین چنین اراده‌هایی اشاره می‌کند.

به تعبیر قرآن کریم، ازجمله مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، شرک و هواپرستی است و قرآن کریم، مرجع همهٔ اوصاف رذیله را شرک و مبدأ همهٔ اوصاف فاضله را ایمان به خدا و توحید خالص می‌داند؛ به این معنا که، منشأ فساد و گناهانی که در قرآن و روایات به آن‌ها اشاره شده است به هواپرستی منتهی می‌شود و هواپرستی، درحقیقت شرک ربوبی است: «افرأیت من اتخذ الهه هواه»؛[42] خدای انسان مفسد، همان هوای او و هوای او، همان خدای اوست.[43]

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۲۳۶/۸.
۴۲. جاثیه: ۲۳.
۴۳. جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ۲۳۵.

از دیگر مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، کفر و اضلال بندگان خداست که این مهم، جایگاه نگاه توحیدی به مقولهٔ پیشگیری و مبارزه با فساد را نمایان می‌سازد. آیهٔ ۸۸ سورهٔ نحل می‌فرماید: «کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، به‌دلیل فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم!» از این آیه استفاده می‌شود: آن‌ها که علاوه بر کفرورزیدن، راه خدا را به روی دیگران هم بستند و با عناد و لجاج، کفر خود را تکمیل کردند، عذاب بیشتری را خواهند داشت. به عبارتی دیگر، افساد در زمین و جلوگیری از تشکیل مجتمعی صالح، امری است که پیش‌آمدنش مستند به ایشان است، زیرا اگر افساد و سد اینان نبود، تشکیل چنین مجتمعی مترقب بود.[۴۴]

کفران نعمت و نسیان یاد پروردگار عالم نیز ازجمله مبانی مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد است که خداوند آن را تقبیح کرده است؛ همان‌طور که خداوند متعال در سورهٔ اعراف می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَ بَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُوراً وَ تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتاً فَاذْكُرُوا آلاَءَ اللَّهِ وَ لاَتَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»؛[۴۵] و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوه‌ها برای خود خانه‌ها می‌تراشید! بنابراین، نعمت‌های خدا را متذکر شوید! و در زمین به فساد نکوشید!»

حضرت صالح در این جمله، قوم خود را به تذکر و یادآوردن نعمت‌های خدا دعوت می‌کند، همچنان که حضرت هود قوم عاد را به آن دعوت می‌کرد. آن‌گاه تمامی نعمت‌ها را در جملهٔ «فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ» خلاصه می‌کند و عبارت «نعمت‌های خدا را به یاد آورید» که تعمیم بعد از تخصیص[۴۶] را فرموده و در ادامه، نتیجه می‌گیرد: «وَ لاتَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.» این جمله عطف بر جملهٔ «فاذکروا» و لازمهٔ آن است و مادهٔ «عثی»، هم به‌معنای فساد تفسیر شده و هم به‌معنای مبالغه آمده است.[۴۷]

از دیگر موارد مؤثر در تکوین اراده‌های مبتنی بر فساد، کبر و برتری‌جویی است. خداوند در آیهٔ ٤ سورهٔ قصص که فرعون را به‌صراحت از مفسدان می‌داند، برتری‌جویی و کبر او را مذمت و تقبیح کرده است.[۴۸]

گام دوم برای تضعیف نظام اراده‌های مبتنی بر فساد، مضامینی است که به‌موجب آن خداوند متعال در مقام تحدید و کنترل مفسدان و ایجاد مرزبندی‌های مشخص از جامعهٔ ایمانی است.

قرآن کریم در آیهٔ ۹٤ سورهٔ کهف، درخواست مردم از ذوالقرنین را مطرح می‌فرماید که از او خواسته

---

٤٤. طباطبایی، المیزان، ۳۲۱/۱۲.
٤٥. اعراف: ۷٤.
٤٦. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۱۷۱/۸.
٤٧. طباطبایی، المیزان، ۱۸۲/۸.
٤٨. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلاَ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»

بودند که سدی بین آن‌ها و بین یأجوج و مأجوج کـه به‌تصـریح قـرآن از مفسـدان هسـتند، ایجـاد کنـد[۴۹] و ذوالقرنین که حاکم وقت بود، درخواست آن‌ها را اجابـت کـرد. تشـویق خادمـان و مجـازات خطاکـاران از عوامل مهم پیروزی و دوام حکومت است. این، همان اصلی است که ذوالقرنین از آن به‌خوبی استفاده کـرد و حضرت علی(ع) در فرمان معروفش بـه مالـک اشـتر کـه یـک دسـتورالعمل جـامع کشـورداری اسـت، می‌فرماید: «هیچ‌گاه نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند، زیرا این امر سبب می‌شود که نیکوکاران به کار خود بی‌رغبت شوند و بدکاران جسور و بی‌پـروا.» در واقـع، قـرآن بیـان مـی‌دارد کـه یـک حکومـت نمی‌تواند در خصوص تفاوت و تنوع زندگی مردم و شرایط مختلف آن‌ها بی‌اعتنا باشد و امنیت، نخسـتین و مهم‌تـرین شـرط یـک زنـدگی سـالم اجتمـاعی اسـت، بـه همـین دلیـل ذوالقـرنین بـرای فراهم‌کـردن آن، پرزحمت‌ترین کارها را برعهده گرفت و به مقابله با فساد از طریق محدودکردن مفسدان پرداخت.[۵۰]

۲. ۲. رویکرد ترمیمی مبتنی بر تقویت اراده‌های مقابله با فساد

رویکرد قرآن کریم در مقابله با فساد، صرفاً متوقف بر تضعیف اراده‌های مبتنی بر فسـاد نیسـت؛ بلکـه ذیل جنبهٔ ایجابی هم از چند طریق به تقویت اراده‌های مقابله با فساد پرداخته است. اسـتقرار نظـام ارزشـی مبتنی بر ارادهٔ صالحان نمی‌تواند مادامی که در توازن و نهایتاً در تفوق با اراده‌های مبتنی بر فساد قرار نگیرد، در سامان‌دهی مطلوب حیات اجتماعی بشر مؤثر واقع شود، لذا خداوند متعال در معـارف نامتنـاهی قـرآن کریم به مؤلفه‌هایی رهنمون می‌سـازد تـا ایـن تفـوق از منظـر گفتمـانی و جریـانی حاصـل شـود. ازجملـه نمونه‌های آن در آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ اعراف است که موسی برادرش، هارون را امر به اصلاح و اجتناب از پیـروی روش اهل فساد می‌کند که این پیروی، اعم از مشارکت در اعمـال، کمـک، همراهـی و حتـی معاشـرت بـا آن‌هاست.[۵۱] این آیه بیانگر سنت الهی در راستای تقویت اراده‌های مقابله با فساد است.

یکی دیگر از روش‌های مؤثر در تقویت اراده‌های مقابله با فساد، به فعلیت‌رساندن علم و عمل و عبـور از مرحلهٔ صرف قوه و استعداد است که قرآن به آن اشاره کرده است.

بی‌تردید، انسان هم مانند سایر انواع موجودات کمالی دارد و کمال انسان عبارت اسـت از اینکـه در دو طرف علم و عمل از مرحلهٔ قوه و استعداد به در آمده و به مرحلهٔ فعلیت برسد؛ یعنی به عقایـد حـق معتقـد شود و اعمال صالح انجام دهد که این رویکرد در مقابل شرک و کفر و اضلال بنـدگان خـدا و برتری‌جـویی است. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِـی الْأَرْضِ

---

۴۹. «قَالُوا يَا ذَاالْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَکَ خَرْجاً عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدّاً.»

۵۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۵۳۸/۱۲.

۵۱. رضا، تفسیر القرآن الحکیم، ۱۰۷/۹.

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»؛[۵۲] آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، همچون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟!

خداوند در این آیه، ایمان و عمل صالح را در مقابل فساد قرار داده و افراد باایمان که کناره‌گیری و گوشه‌نشینی نمی‌کنند، بلکه به میدان عمل می‌آیند و کار نیک می‌کنند را همان متقین معرفی می‌کند.

سؤال این آیه، استفهام انکاری است و این معنا را می‌رساند که هرگز چنین نخواهد بود که صالحان و مفسدان را مانند هم قرار دهیم.[۵۳]

فطرت انسان اگر سالم مانده باشد، این عقاید حق و اعمال صالح را تشخیص می‌دهد و عبارت می‌داند از ایمان به حق و عمل‌هایی که مجتمع انسانی را در زمین، صالح می‌سازد.

پس تنها کسانی که ایمان آورده و به صالحات عمل کردند و به‌تعبیر خلاصه، مردم باتقوا، انسان‌های کامل هستند و اما مفسدان در زمین؛ یعنی آن‌ها که عقاید فاسد و اعمال فاسد دارند و نام «فجار»، معرّف آنهاست، افرادی هستند که در واقع، در انسانیتشان نقص دارند.[۵۴] لذا انسان برای تقابل با فساد لازم است مسلح به سلاح عمل نیک در کنار ایمان باشد. نهایت اینکه، آیهٔ مزبور، یکسان معامله‌کردن هر دو طایفه و لغوکردن آنچه صلاح این و فساد آن را اقتضا دارد، خلاف عدالت باری‌تعالی معرفی می‌کند و در مقام بشارتِ نسبت به برقراری عدالت الهی در برخورداری از حیاتی سعید و عیشی طیب قرار دارد.

روش دیگر خداوند در قرآن کریم راجع به تقویت نظام اراده‌های مقابله با فساد، عزم جمعی بر تقابل با فساد است. غالباً در جوامع انسانی، افرادی بر اثر معرفت محدود خویش، خواهان زندگی حیوانی‌اند که اگر آزاد باشند جامعه را به فساد می‌کشند. سنت الهی این است که مردم در جامعه با ارادهٔ خود راه خیر و شر را برگزینند؛ اما زمانی که فساد مفسدان از مرز امکان عفو بگذرد، خداوند گروهی از اهل ایمان را برای نابودی آنان مأمور می‌سازد. «... وَ لَوْ لاَدَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»؛[۵۵] و اگر خداوند برخی مردم را مانع ادامهٔ دشمنی و استمرار فساد برخی دیگر قرار نمی‌داد، فساد سراسر زمین را فرا می‌گرفت.[۵۶] مراد از فساد زمین، مختل‌شدن نظم اجتماع و پیداشدن فتنه و بروز اختلاف است؛[۵۷] توضیح

---

۵۲. ص: ۲۸.

۵۳. زمخشری، الکشاف، ۹۰/۴.

۵۴. طباطبایی، المیزان، ۲۹۹/۱۷.

۵۵. «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لاَدَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.»؛ سپس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند و داوود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود)، جالوت را کشت و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد و اگر خداوند، بعضی از مردم را به‌وسیلهٔ بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد (بقره: ۲۵۱).

۵۶. جوادی آملی، تسنیم، ۷۰۱/۱۱.

۵۷. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ۴۷۸/۲.

اینکه، اگر گروهی از اهل صلاح و ایمان در مقابل دفع اشرار قرار نگیرند طغیان و فساد، مردم و سرزمین را در بر خواهد گرفت و جامعهٔ انسانی به استیلای افراد ناباب و شرور مبتلا خواهد شد.[۵۸]

اگر جلوگیری مردم به‌وسیلهٔ خودشان نباشد، زمین فاسد می‌شود؛ یعنی خود مردم جلوی فساد بعض دیگر را می‌گیرند، مثلاً مردمی که سلطان جلوی فساد و جنایت آنان را می‌گیرد و از ترس قدرت، مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند، به‌مراتب بیشتر از آن مردمی هستند که به‌سبب وعد و وعید قرآن و خدا از گناه و ارتکاب جرم دست بر می‌دارند.[۵۹] لذا پروردگار نیز در قرآن، دفع مفسدان توسط خود مردم جامعه را تأیید و تأکید فرموده است که اختصاصی به امور نظامی ندارد و بلکه امور فرهنگی و فقهی و حقوقی را نیز در بر می‌گیرد[۶۰] و در آیهٔ دیگر که در قضیهٔ ذوالقرنین و فساد یأجوج و مأجوج به آن اشاره شد، خود مردم عرضه داشتند که پیشنهاد ایجاد سد را به ذوالقرنین دادند که ما در هزینهٔ آن مشارکت می‌کنیم[۶۱] و از این نقل داستان تاریخی قرآن، تقویت نظام اراده‌های حق‌طلبانهٔ ضد فساد در ذیل رویکرد عزم جمعی تقابل با فساد درخورِ نتیجه‌گیری است.

۳. مقابله با فساد در ساحت رویکرد تأسیسی

رویکرد اخلاقی قرآن کریم در مواجهه با فساد، صرفاً متوقف بر انذار نسبت به تبعات ناگوار و همچنین ارائهٔ نظام ارزشی متناسب برای مقابله با فساد نیست؛ بلکه تتبع در مضامین قرآنی، موجد این رهیافت است که این منبع هدایت‌بخش، راهبردی را دراین‌باره دنبال می‌کند که در پی آن مناسباتی مبتنی بر اصالت اخلاق و ایمان در جامعهٔ اسلامی برقرار می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این مضامین، ارائهٔ الگویی از جامعه‌پردازی است که در آن موازین اخلاقی مقابله با فساد به‌مثابهٔ نهاد و نظام، باورها و ارزش‌ها را متبلور می‌سازد و نهایتاً می‌تواند در سامان‌دهی یک نظام اجتماعی کارآمد و پویا مؤثر واقع شود.

با تدقیق در آیات قرآن و بایسته‌های حکمرانیِ برآمده از آن به این نتیجه می‌رسیم که مهم‌ترین روش برای مبارزه با فساد، اقامهٔ ارزش‌ها و معارف اخلاقی در سطوح کلان سیاسی و اجتماعی است؛ این مهم نیز جز از رهگذر ایجاد تحولات گفتمانی و همچنین تعریف ضمانت‌اجراهای مشخص، ممکن نیست. بر اساس این ضرورت، می‌توانیم در تعیین راهبردهای مقابله با فساد از رویکرد سومی سخن به میان آوریم که از مؤلفه‌های پیش‌گفته برخوردار باشد؛ رویکردی که از آن به رویکرد تأسیسی قرآن کریم تعبیر می‌کنیم. در

۵۸. سبزواری، مواهب الرحمن، ۱۶۱/۴.

۵۹. طبرسی، مجمع البیان، ۶۲۱/۲.

۶۰. جوادی آملی، تسنیم، ۷۱۳/۱۱.

۶۱. «قَالُوا يَا ذَاالْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَکَ خَرْجاً عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدّاً.» (کهف: ۹۴)

راستای تبیین و تشریح اضلاع مختلف این رویکرد که متضمن ارائهٔ راهبردی کارآمد در مقابله با فساد است، این موضوع تحت سه گفتار ارائه می‌شود: رویکرد تأسیسی مبتنی بر آموزش‌وپرورش مطلوب، رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظارت عمومی و مسئولیت جمعی و رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظام تقنینی و قضایی مطلوب.

۳. ۱. رویکرد تأسیسی مبتنی بر آموزش‌وپرورش مطلوب

تعلیم‌وتربیت، پیوسته به‌مثابهٔ سنگ بنایی تلقی شده که ایجاد فرهنگ‌ها و جوامع متمدن متوقف بر آن بوده است.[٦٢] تکوین اجتماعی پویا و متکامل همواره دغدغه‌ای است که جز از طریق نظام تعلیمی و تربیتی کارآمد محقق نمی‌شود، امر مهمی که ارکان اصلی آن عبارت‌اند از: ۱. تبیین نظام باورها و ارزش‌ها؛ ۲. زدودن نفس و شخصیت انسانی از رذائل اخلاقی و آراستگی به خلقیات ممدوح.

ناگفته پیداست می‌توان دریافت که رویکردهای آموزشی و پرورشی مناسب، چه نقش و کارکردی در نهادینه‌شدن ارادهٔ مبتنی بر صلاح و مقابله با فساد در آحاد افراد ایجاد می‌کند. قبل از تشریح این موضع لازم است عرصه‌های مختلف آموزش‌وپرورش مدِّنظر قرار گیرد.

آموزش‌وپرورش به دو نوع تقسیم می‌شود: آموزش‌وپرورش رسمی[٦٣] و آموزش‌وپرورش غیررسمی.[٦٤] در توضیح گونهٔ نخست از آموزش‌وپرورش می‌توان گفت: برخی سازمان‌ها و نهادها هستند که با هدف آموزش به افراد در سطح گسترده، بر اساس برنامه‌ای از پیش‌تعیین‌شده بر پا شده‌اند[٦٥] و خصوصیت بارز آن، سازمان‌یافتگی و ساختارمندی و سلسله‌مراتبی‌بودن است.[٦٦] در مقابل، منظور از آموزش غیررسمی، نهادهایی همچون مطبوعات، تلویزیون و سینماست که فرهنگ و دانش را در روشی غیررسمی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. به بیان دیگر، آموزش غیررسمی، به هر نوع فعالیت آموزشی و کارآموزی اطلاق می‌شود که سازمان یافته است ولی در خارج از نظام آموزش رسمی تحقق می‌یابد.

بر اساس انسان‌شناسی قرآن کریم، استعدادهای انسانی جنبه‌های متعدد جسمی، عقلی، عاطفی و روحی گسترده‌ای را شامل می‌شود و نظام آموزشی و پرورشی جامع باید بتواند همهٔ این قابلیت‌ها را به‌صورت هماهنگ هدایت کند و بخش مهمی از توانایی‌های نهان انسان را از سیر تکاملی خود محروم نکند.[٦٧]

---

٦٢. حاتمی، حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها، ٢٦.

63. Formal Education.

64. Normal Education.

٦٥. پرکان و صالحی، نهادینه‌سازی خلاقیت در جامعهٔ اسلامی، ٢٦٣.

٦٦. مشایخ، فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، ١١.

٦٧. خسروپناه، منظومهٔ فکری آیت‌الله خامنه‌ای، ٤٣٥/١.

بحث آموزش آن‌قدر در افق دید قرآن کریم حائز اهمیت است که در آیهٔ ۱۰۳ سورهٔ اعراف، خداوند از ضرورت آموزش و تنبه فرعون به‌وسیلهٔ موسی یاد می‌کند و در ادامه، با اشاره به نپذیرفتن فرعون و همراهانش، او و اطرافیانش را به‌عنوان مفسدان معرفی می‌کند.[۶۸] رویکرد این آیه، ضرورت آموزش‌وپرورش را برای ما تداعی می‌کند که حتی فردی مانند فرعون که ادعای الوهیت[۶۹] داشته است نیز از منظر پروردگار عالم نیاز به آموزش و برهان و هدایت دارد. در بستر آموزش‌وپرورش دینی است که جوامع انسانی می‌توانند به‌تدریج در فرایند تکاملی حقیقی قرار گیرند و مراحل علم و عمل را یکی پس از دیگری طی کنند و اگر بشر بر بسط دایرهٔ دین و معارف الهی اهتمام می‌ورزید، انتظار می‌رفت کمالات و پیشرفت‌های فردی و جمعی را در سطح مطلوبی تجربه کند.[۷۰]

جنبهٔ ابزاری تعلیم و آموزش در قرآن در مسیر هدایت و تربیت انسان، در بالاترین و پیشرفته‌ترین سطح قرار دارد و ضمن به فعلیت‌رساندن مراتب ابتدایی از استعدادهای انسانی، زمینهٔ نیل به عالی‌ترین مراتب وجودی او را نیز فراهم می‌کند. توجه به کارکردهای تعلیم‌وتربیت می‌تواند ابعاد آرمانی و عالی نیز پیدا کند که مهم‌ترین آن‌ها، پرورش اخلاقی انسان و ایجاد ملکات و صفات اخلاقی پسندیده است؛ موضوعی که در ادبیات اسلامی از آن به تزکیهٔ نفس[۷۱] تعبیر می‌شود و در نصوص دینی به‌عنوان اصیل‌ترین هدف از بعثت انبیا معرفی شده است.[۷۲] در بُعد اجتماعی نیز نظام آموزش‌وپرورش کارآمد، منشأ آثار و تبعات متعددی است؛ ازجمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به نقش آموزش‌وپرورش در توسعه و رشد صحیح جامعه اشاره کرد؛ چراکه به نظر می‌رسد ریشهٔ همهٔ نابسامانی‌ها و فسادها و اعوجاجات، در تعلیم‌وتربیت نادرست و در یک کلام، نارسایی‌های تربیتی آدمی است. از این منظر می‌توان گفت: وضعیت یک جامعه در جهات مختلف، برایند وضعیت نظام تعلیم‌وتربیت آن است.

قرآن کریم، تعلیم‌وتربیت را از اهداف ارسال پیامبران الهی دانسته است تا بسیاری از حقایق مکتوم و ناشناخته بر مردم را روشن کنند. بر این اساس، در آیهٔ ۱۵۱ سورهٔ بقره خداوند متعال فرموده است: «...رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.»[۷۳] در آیهٔ مزبور، خداوند متعال چهار نعمت را در سایهٔ بعثت رسول متحقق می‌داند که عبارت‌اند از: ۱. رسول، آیات ما را بر شما می‌خواند؛ ۲. شما را

۶۸. ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (اعراف: ۱۰۳).

۶۹. قالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلهاً غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (شعرا: ۲۹).

۷۰. طباطبایی، المیزان، ۲۱۱/۸.

۷۱. مقصود از تزکیه، پاکسازی و پالایش عناصر فاسد از سالم است و رشد و بالندگی، از لوازم و آثار آن به شمار می‌رود (محمدی ری‌شهری، ۳۲۱).

۷۲. شاطری، مسئولیت اخلاقی حکومت اسلامی، ۲۲۷.

۷۳. «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ.»

پرورش می‌دهد؛ ۳. کتاب و حکمت به شما می‌آموزد؛ ۴. آنچه را نمی‌دانستید به شما تعلیم می‌دهد.

تعلیم‌وتربیت به‌عنوان مهم‌ترین مسئولیت و راهبرد پیامبران در آیات دیگری نیز تکرار شده است.[۷۴] تأکید بر تعلیم‌وتربیت به‌عنوان موضوعی راهبردی در امر رسالت انبیا ازآن‌روست که تشکیل جامعه‌ای متعادل که در آن افراد بتوانند با سازش و صفا زندگی کنند و در مسیر سعادت گام بردارند، جز با اصلاح و تربیت نفوس ممکن نیست؛ زیرا افراد و خانوادهٔ متزلزل و متلاشی که از تعلیم‌وتربیت و تهذیب بهره‌ای نبرده‌اند، نمی‌توانند موجد جامعه‌ای مستحکم و مقتدر باشند.[۷۵]

۳. ۲. رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظارت عمومی و مسئولیت جمعی

باوجود اهمیت تدابیر حکمرانانه در مقابله با فساد، قرآن کریم دربارهٔ نقش و تأثیر فرهنگ عمومی در این خصوص بی‌توجه نبوده است؛ بلکه می‌توان از محوریت ظرفیت عمومی و مردمی در رویکرد تأسیسی قرآن کریم برای مقابله با فساد سخن گفت. برای نمونه، خداوند متعال در آیهٔ ۱۱۶ سورهٔ هود،[۷۶] مقابله‌کردن با فساد بر روی زمین و جلوگیری و نهی از آن، استفاده از کمال عقل و قدرت و آموزه‌های بعثت پیامبران و اقامهٔ دلیل را در شمار وظایف بندگان دانسته است.[۷۷] آیهٔ مزبور بر اصلی اساسی در زندگی اجتماعی دلالت دارد که به‌موجب آن، صیانت از جامعه از عوامل فساد و تباهی، مادامی مقدور است که طیفی از خواص و نخبگان، در خصوص مفاسد، متعهد و مسئول باشند و در راستای تضعیف عوامل این عارضه به مبارزهٔ فکری و عملی برخیزند و جامعه را نیز راجع به مخاطرات آن حساس کنند.[۷۸]

بر این اساس، می‌توان نهاد امربه‌معروف و نهی از منکر را مهم‌ترین ظرفیتی تلقی کرد که قرآن کریم برای ایجاد نظام مسئولیت جمعی مقابله با فساد و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورها، فراروی مردم قرار داده است.[۷۹] ازجمله مستندات این موضوع، آیات ۱۱ و ۱۲ سورهٔ بقره است که به‌موجب آن، امربه‌معروف و نهی از منکر در حوزهٔ مقابله با فساد کارکرد ویژه‌ای دارد.[۸۰] در آیهٔ مذکور خداوند متعال ضمن اینکه مفسده‌برانگیزبودن رفتارهای کفار مفسد را متذکر می‌شود، ادعای آن‌ها را مبنی‌بر اصلاح‌طلبی مخدوش و

---

۷۴. «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» (بقره: ۱۲۹)
«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.» (آل‌عمران: ۱٦٤)

۷۵. جوادی آملی، هدایت در قرآن، ٧٤

۷٦. فَلَوْ لاَكَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلاَّ قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ (هود: ۱۱٦).

۷۷. طوسی، التبیان، ٦/٨١.

۷۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ٩/٢٧٤.

۷۹. ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ١١/٣٤٥.

۸۰. وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لاَتُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ(۱۱) أَلاَ إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لاَيَشْعُرُونَ (۱۲).

واهی می‌داند. همچنین می‌توان به آیهٔ ۱۰٤ سورهٔ آل‌عمران استناد کرد که بر اساس آن، رستگاران را گروهی می‌دانند که به اقامهٔ امربه‌معروف و نهی از منکر اهتمام دارند.[۸۱] موضوعی که در آیهٔ ۱۱۰ سوره آل‌عمران نیز به آن تأکید شده و در آن اقامهٔ امربه‌معروف و نهی از منکر از ویژگی‌های بهترین امت معرفی شده است.[۸۲]

۳. ۳. رویکرد تأسیسی مبتنی بر نظام تقنینی و قضایی مطلوب

در مقام تشریح چگونگی تأسیس نظام تقنینی مطلوب، می‌توان به رویکرد قرآن کریم در تحریم و جرم‌انگاری رفتاهای فسادانگیز اشاره داشت. قرآن کریم با لحاظ هنجارها و ارزش‌های اساسی و با اتکا بر مبانی معرفت دینی، رفتارهایی را ممنوع و برای آن‌ها ضمانت اجرای متناسبی تعیین کرده است. این جرم‌انگاری، از ضوابط و ملاک‌های مشخصی تبعیت می‌کند که قابل‌ادراک عقلی است. قرآن کریم برای جرم‌انگاری مصادیق فساد، از ملاکاتی از این دست تبعیت کرده است: کرامت انسانی، حمایت از ارزش‌های اخلاقی، نفی ضرر، حفظ مصالح اساسی، برقراری نظم اجتماعی، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از جرم.[۸۳] مصداق‌انگاری فساد به‌مثابهٔ امری مجرمانه، طیف گسترده‌ای از رفتارها و اقدامات ناشایست را در بر می‌گیرد. در واقع، شارع مقدس به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از مصادیق فساد را به همگان معرفی کرده که می‌توان با الهام از آن در زمینهٔ مبارزه با فساد، الگوی تقنینی جامعی را پایه‌گذاری کرد و به کارآمدسازی آن در زمینهٔ فسادزدایی کمک کرد. این مصادیق به‌لحاظ درجهٔ اهمیت در یک سطح نیستند و جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای آن‌ها باتوجه‌به شدت و ضعف اهمیت آن‌ها صورت گرفته است. جرایم علیه تمامیت جسمانی،[۸٤] جرایم علیه اموال،[۸۵] جرایم علیه امنیت روانی و اعتقادی،[۸٦] جرایم علیه امنیت عمومی[۸۷] و جرایم منافی عفت و اخلاق حسنه،[۸۸] مجموعه رفتارهایی به شمار می‌روند که

---

۸۱. وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۸۲. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

۸۳. دانش‌پژوه و مهریزی، «ملاک‌های جرم‌انگاری در قرآن»، ۲۷.

۸٤. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِکُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لاتَعْلَمُونَ.» (بقره: ۳۰).

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مائده: ۳۲).

۸۵. «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لايُحِبُّ الْفَسَادَ» (بقره: ۲۰۵)

سورهٔ شعرا: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لاَ تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» (۱۸۱) «وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (۱۸۲) «وَلاتَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لاتَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (۱۸۳).

۸٦. سورهٔ آل عمران: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٦۲) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ» (٦۳)

«الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَاباً فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ» (نحل: ۸۸)

۸۷ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳)

۸۸ سورهٔ عنكبوت: «أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (۲۹) «قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ» (۳۰)

به‌دلیل اثر فسادانگیز آن‌ها، در قرآن کریم تحریم شده‌اند.

جرم‌انگاری مصادیق فساد آنگاه مؤثر است که مفسدان به‌سبب اقدامات خود تعقیب و پیگرد شوند و این مهم، جز در پرتوِ کنش‌گری قضایی، جامهٔ عمل به خود نمی‌پوشاند. در واقع، روابط صحیح بین اشخاص و عدالت‌گستری و فسادزدایی در جامعه زمانی نظم و نسق می‌یابد که دستگاه قضایی کارآمد به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب و عیار سلامت جامعه، متولی اجرای آن شود. ازاین‌روست که در شریعت اسلامی کمتر مسئله‌ای چون قضا مدِّنظر و سفارش بوده است تاجایی‌که برخی صاحب‌نظران علوم اسلامی، قضاوت شایسته و دادرسی عادلانه را وجههٔ آبروی اسلام[۸۹] و اول مسائل دین مبین معرفی کرده‌اند.[۹۰] اینکه در آیهٔ ۱۰۵ سورهٔ نساء، قضاوت میان مردم از شئون نبی دانسته شده و قرآن نیز مبنای برقراری عدالت معرفی شده است، به‌خوبی مؤید جایگاه این منصب جلیله است.[۹۱] دامنهٔ رسیدگی قضایی رسول(ص)، به مسلمانان محدود نشده و در خصوص غیرمسلمانان نیز اجرای قسط و عدل تأکید شده است.[۹۲]

بنابراین، با تدقیق در آیات متعدد می‌توان چنین استدلال کرد که نظام‌سازی قرآنی در مقابله با فساد و مظاهر مختلف آن در سطح نهایی، آن‌گاه که فرد خود را در معرض ارتکاب فساد قرار دهد، با اجرای کیفری همراه خواهد بود که توسط نظام قضایی عدالت‌گستر محقق می‌شود. ازاین‌روست که به همهٔ مردم دستور داده می‌شود در برابر اجرای عدالت، مطیع باشند[۹۳] و به احکام قضاییِ صادره گردن نهند و همچنین تمرد ظاهری و باطنی در برابر آن نداشته باشند.[۹۴]

نتیجه‌گیری

ازجمله مؤلفه‌های اساسی در حکمرانی شایسته، مقابله با پدیدهٔ فساد است و مواجههٔ بنیادین با آسیب‌های آن فقط از طریق تمهیدات اخلاقی امکان‌پذیر است. تدقیق در آیات قرآن کریم و تتبع در مجامع تفسیری مرتبط با آن، موجد این رهیافت است که قرآن کریم حداقل در سه ساحت، نظام اخلاقی جامعی را به‌منظور مقابله با پدیدهٔ فساد تدارک دیده است که عبارت‌اند از: تخویفی و ترمیمی و تأسیسی.

نخستین راهبرد قرآن کریم در خصوص مقولهٔ فساد، رویکرد تخویفی است. رویکرد تخویفی، مطلق

۸۹. خمینی، تحریرالوسیله، ۴۷۹.

۹۰. خمینی، تحریرالوسیله، ۲۱۲.

۹۱ «اِنّا اَنْزَلْنا اِلَیْکَ الْکِتابَ بِالحَقِّ لِتَحْکُمَ بَیْنَ النّاسَ بِما اَراکَ اللهُ وَ لاتَکُنْ لِلْخائِنِینَ خَصیماً» (نساء: ۱۰۵)

۹۲ «وَ اِنْ حَکَمْتَ فَاحْکُمْ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ» (مائده: ۴۲)

۹۳. «اِنَّ اللهَ یَأْمُرُکُمْ اَنْتُؤَدُّوا الأماناتِ اِلی اَهْلِها وَ اِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النّاس اَنْتَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ اِنَّ اللهَ نِعِمّا یَعِظُکُمْ بِهِ إنَّ اللّهَ کانَ سَمیعاً بَصیراً.»

۹۴. «فلا وَ رَبِّکَ لایُؤمِنُونَ حَتّی‌یُحَکِّمُوکَ فیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لایَجِدُوا مِنْ اَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّاقَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُوا تَسْلیماً.»

خطاباتی است که خداوند متعال در هیئت انذار و هشدار، راجع بـه عواقـب امـور بـرای هـدایت انسـان‌ها تشریع کرده است و به‌وسیلهٔ آن، داعی لازم بر ترک محرمات و مناهی دینی ایجاد می‌شود. این مهم در آیات قرآن کریم بر دو قسم درخورِ صورت‌بندی است: تبعات دنیوی و تبعات اخروی.

خداوند متعال در ارائهٔ راهبردهای مقابله با فساد در کنار رویکرد سلبی مبتنی بر خوف و انـذار، بـه‌دلیل بازسازی نظام ارزشی جامعه، چهارچوب‌ها و موازین اخلاقی و تربیتی ایجابی را مطرح می‌کند که می‌توان از آن به رویکرد ترمیمی تعبیر کرد. رویهٔ قرآن کریم برای مبارزه با فسـاد در رویکـرد ترمیمـی در دو سـطح درخورِ بررسی است: ۱. تضعیف اراده‌های مبتنی بر فساد؛ ۲. تقویت اراده‌های مقابلـه بـا فسـاد. در سـطح نخست، خداوند با معرفی بسترهای فسادزا و تقبیح آن‌ها درصدد تضعیف اراده‌های فسادزا برآمـده اسـت و در سطح دوم، با تکریم و تقویت بسترهای ضد فساد و ارائهٔ راهکـار، اراده‌هـای انسـانی مقابلـه بـا فسـاد را تقویت کرده است.

در ادامهٔ دو رویکرد گذشته، منبع هـدایت‌بخش قـرآن کـریم راهبـردی را دنبـال می‌کنـد کـه در پـی آن مناسباتی مبتنی بر اصالت اخلاق و ایمان در جامعهٔ اسلامی برقرار می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این مضامین، ارائهٔ الگویی از جامعه‌پردازی است که در آن موازین اخلاقی مقابله با فساد به‌مثابهٔ نهـاد و نظـام، باورهـا و ارزش‌ها را متبلور می‌سازد و نهایتاً می‌تواند در سامان‌دهی یک نظام اجتماعی کارآمد و پویا مؤثر واقع شود.

با تدقیق در آیات قرآن و بایسته‌های حکمرانی برآمده از آن به این نتیجه می‌رسـیم کـه مهم‌تـرین روش برای مبارزه با فساد، اقامهٔ ارزش‌ها و معارف اخلاقی در سطوح کلان سیاسی و اجتماعی است که این مهم نیز جز از رهگذر ایجاد تحولات گفتمانی و همچنین تعریف ضمانت اجراهای مشخص ممکن نیست. بـر اساس این ضرورت می‌توانیم سخن از رویکرد سومی به نام رویکرد تأسیسی به میان آوریم که از مؤلفه‌های پیش‌گفته برخوردار باشد.

بر اساس بررسی انجام‌شده، ازجمله رهیافت‌های این نوشتار می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. پویایی و تکامل نظام آموزش‌وپرورش و تبدیل آن به نظام تعلیمی و تربیتیِ کارآمد به‌صورتی که ارزش‌هـا و باورهـا در افراد نهادینه شوند.

۲. از ظرفیت‌های قانونی، برای جرم‌انگاری عادلانه و ارزشی مصادیق فساد و تلازم آن با منطق حقوقی پویای قرآنی استفاده شود.

۳. فعال‌کردن ظرفیت مسئولیت جمعی جامعه و زمینه‌سازی نقش‌آفرینی عموم مردم در مقابله با فساد، از دیگر رهاوردهای قرآنی است که باید اجرایی شود.

٤. اتخاذ موضع فعال در مبارزه با فساد و ایفای نقش پیشـگیری بـا شـناخت بسـترهای فسـادزا نیـز از

کارویژه‌های قرآن کریم برای نظام قضایی مطلوب است.

همهٔ این موارد و بیش از این‌ها، ازجمله رهیافت‌هایی است که می‌توان در زمینهٔ رویکرد مطلوب مبارزه با فساد، از منبع لایتناهی قرآن کریم برداشت کرد.

منابع

قرآن کریم. مترجم: حسین انصاریان. ۱۳۸۳.

ابراهیم‌آبادی، غلامرضا. «فساد در نگاهی دیگر: تأملی چندجانبه در مقولهٔ فساد»، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. بهمن ۸۳، ۱تا۳۹.

ابن‌عاشور، محمدطاهر. التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی. ۱۴۲۰ق.

ابن‌فارس، احمدبن‌فارس. معجم مقاییس اللغة. بی‌جا: دار الفکر. ۱۳۹۹ق.

ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: محمدعلی بیضون. ۱۴۱۹ق.

پرکان، حسین و محمد صالحی، جواد. نهادینه‌سازی خلاقیت در جامعهٔ اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی. ۱۳۹۷.

جوادی آملی، عبدالله. تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: اسراء. ۱۳۸۱.

ـــــــــــــــ تفسیر موضوعی قرآن کریم: مبادی اخلاق در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۵.

ـــــــــــــــ تفسیر موضوعی قرآن کریم: مراحل اخلاق در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۷.

ـــــــــــــــ تفسیر موضوعی قرآن کریم: هدایت در قرآن. قم: اسراء. ۱۳۸۷.

حاتمی، مهدی و منیره زاهدی گلوگاهی. حق بر آموزش و تعهدات دولت‌ها. تهران: خرسندی. ۱۳۹۲.

حجتی، غزاله. «عذاب جاویدان: عدالت و عشق الهی»، نشریهٔ پژوهش‌های فلسفی کلامی. س۱۹، ش۱، بهار۱۳۹۶، ۲۱۵تا۲۳۵. 10.22091/pfk.2017.840

حداد عادل، غلامعلی. دانشنامهٔ جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی. ۱۳۹۰.

خسروپناه، عبدالحسین. منظومهٔ فکری آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی. ۱۳۹۶.

خمینی، روح‌الله. تحریر الوسیلة. بی‌جا: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). بی‌تا.

دانش‌پژوه، وهاب، مهدی مهریزی. «ملاک‌های جرم‌انگاری در قرآن»، فصلنامهٔ فقه و مبانی حقوق اسلامی. س۵، ش۱۴ و ۱۵، زمستان۹۱ و تابستان۹۲، ۲۷تا۴۸.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. المفردات فی غریب‌القرآن. تهران: چاپ محمد سیدکلانی. ۱۳۳۲.

رضا، محمدرشید. تفسیر القرآن الحکیم: تفسیر المنار. بی‌جا: الهیئة المصریة العامة للکتاب. ۱۹۹۰م.

زمخشری، محمودبن‌عمر. الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتاب

العربی. بی‌تا.

سبزواری، عبدالأعلی. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بیروت: اهل‌البیت. ۱۴۱۴ق.

شاذلی، سیدبن‌قطب‌بن‌ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشرق. ۱۴۱۹ق.

شاطری، روح‌الله. مسئولیت اخلاقی حکومت اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی. ۱۳۹۲.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم. تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار. ۱۳۶۶.

طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. ۱۴۱۷ق.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو. ۱۳۷۲.

طوسی، محمدبن‌حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی. بی‌تا.

عبدالمحمدی، حسین. «آثار دنیوی گناه». فصلنامهٔ ره‌توشه. ش۱۵۱، ۱۳۹۶، ۷۵تا۸۶.
10.22081/rt.2017.67855

عسکری پورحبیب. «نقش حکمرانی خوب در کاهش فساد و فقر»، همایش کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی. دورهٔ۲، ۱۳۹۴، ۱تا۱۳.

عسکری، حسن‌بن‌عبدالله. الفروق فی اللغة. بیروت: دار الآفاق الجدیدة. ۱۴۰۰ق.

فتاحی‌زاده، فتحیه، معصومه شیردل. «معناشناسی توصیفی فساد در تفسیر آیات قرآن کریم»، مطالعات تفسیری. س۹، ش۳۴، ۱۳۹۷، ۳۵تا۴۰.

محمدی ری‌شهری، محمد. میزان‌الحکمه. قم: مکتب العالم الاسلامی. ۱۳۶۷.

مشایخ، فریده. فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۸۶.

مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القران الکریم. بی‌جا: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی. ۱۴۱۶ق.

ـــــــــــــــــ. تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب. ۱۳۸۰.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۳۷۴.

Transliterated Bibliography

ʻAbd al-Muḥammadī, Ḥusayn. "Āṯār Dunyavī Gunāh". *Faṣlnāmih-yi Rahtūshih*. no. 151, 2018/1396, 75-86.

ʻAskarī, Ḥasan ibn ʻAbd Allah. *al-Furūq fī al-Lugha*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda. 2022/1400.

ʻAskarīpūr Ḥabīb. "Naqsh-i Ḥukmrānī Khūb dar Kāhish Fisād va Faqr", *Hamāyish Kunfirāns Biyn al-Milalī ʻUlūm-i Raftārī va Muṭāliʻāt-i Ijtimāʻī*. Durih-yi 2, 2016/1394, 1-13.

Dānishpazhūh, Vahāb, Maḥdī Mihrīzī. "Milāk-hā-yi Jurmingārī dar Qurān", *Faṣlnāmih-yi Fiqh va Mabānī Ḥuqūq Islāmī*. yr. 5, no. 14-15, winter 2013/1391va summer 2013/1392, 27-48.

Fatāḥīzādih, Fatḥīyih, Maʻṣūmih Shīrdil. "Maʻnāshināsī Tūṣīfī Fisād dar Tafsīr-i Āyāt-i Qurān Karīm", *Muṭāliʻāt-i Tafsīrī*. yr. 9, no. 34, 2019/1397, 35-40.

Ḥadād ʿĀdil, Ghulām ʿAlī. *Dānishnāmih-yi Jahān-i Islām*. Tehran: Bunyād-i Dāyrah al-Maʿārf-i Islāmī, 2012/1390.

Ḥātamī, Maḥdī va Munīrih Zāhidī Gilūgāhī. *Ḥaq bar Āmūzish va Taʿahudāt Dawlat-hā*. Tehran: Khursandī. 2014/1392.

Ḥujatī, Ghazālih. "ʿAẕāb Jāvīdān: ʿIdālat va ʿIshq Ilāhī", *Nashrīyih-yi Pazhūhish-hā-yi Falsafī Kalāmī*. yr.19, no. 1, spring 2018/1396, 215-235.

Ibn ʿĀshūr, Muḥammad Ṭāḥir. *Taḥrīr wa al-Tanwīr.* Beirut: Mūʾassisa al-Tārīkh al-ʿAtabī. 1999/1420.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Muʿjam Maqāyīs al-Lugha*.

Ibn Kathīr, Ismāʿīl ibn ʿUmar. *Tafsīr al-Qurān-i al-ʿAẓīm*. Beirut: Muḥammad ʿAlī Bayḍūn. 1998/1419.

Ibrāhīmābādī, Ghulām Riżā. "Fisād dar Nigāhī Dīgar: Ta'mulī Chand Jānibih dar Maqūlih-yi Fisād", *Daftar-i Muṭāliʿāt-i Sīy*āsī*, Markaz Pazhūhish-hā-yi* Majlis Shurāy Islāmī. Bahman 2005/1383, 1-39.

Javādī ʿĀmilī. ʿAbd Allah. *Tafsīr Mawżūʿī Qurān-i Karīm: Hidāyat dar Qurān.* Qum: Asrāʾ. 2009/1387.

Javādī ʿĀmilī. ʿAbd Allah. *Tafsīr Mawżūʿī Qurān-i Karīm: Mabādī Akhlāq dar Qurān.* Qum: Asrāʾ. 2007/1385.

Javādī ʿĀmilī. ʿAbd Allah. *Tafsīr Mawżūʿī Qurān-i Karīm: Marāḥil Akhlāq dar Qurān.* Qum: Asrāʾ. 2009/1387.

Javādī ʿĀmilī. ʿAbd Allah. *Tasnīm: Tafsīr-i Qurān-i Karīm.* Qum: Asrāʾ. 2003/1381.

Khumaynī, Rūḥ Allāḥ. *Taḥrīr al-Wasīlah*. s.l. Mūʾassisah-yi Tanẓīm va Nashr-i Ās̱ār-i Imām Khumaynī. s. d.

Khusrū panāh, ʿAbd al-Ḥusayn. *Manẓūmih-yi Fikrī Āyat Allāh Khāminih-yī.* Tehran: Sāzimān-i Intishārāt-i Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2018/1396.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1996/1374.

Mashāyikh, Farīdih. Farāyand-i Barnāmihrīzī Āmūzish. Tehran: Sāzimān-i Pazhūhish va Barnāmihrīzī Āmūzishī. 2008/1386.

Muḥammadī Riy Shahrī, Muḥammad. *Mīzān al-Ḥikmah*. Qum: Maktab al- ʿĀlam al-Islāmī. 1989/1367.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. s.l. Markaz-i Nashr-i Ās̱ār al-ʿAllāmah al-Muṣṭafavī. 1995/1416.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *Tafsīr-i Rūshan*. Tehran: Markaz-i Nashr-i Kitāb. 2002/1380.

Parkān, Ḥusayn va Muḥammad Ṣāliḥī, Javād. *Nahādīnihsāzī Khalāqīyat dar Jāmiʿih-yi Islāmī.* Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2019/1397.

Qurān-i Karīm. translated by Ḥusayn Anṣārīyān. 2005/1383.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt fī Gharīb al-Qurān*. Tehran: Chāp-i Muḥammad Sayyid Kalānī. 1954/1332.

Riḍā, Muḥammad Rashīd. *Tafsīr-i al-Qurān al-Karīm*: *Tafsīr-i al-Minār*. s.l. al- Hiyʾat al-Miṣrīya al-ʿĀmma li-l-Kitāb. 1990/1410.

Sabzawārī, ʻAbd al-Aʻlā. *Mawāhib al-Raḥmān fī Tafsīr-i al-Qurān*. Beirut: Aḥl-i Bīyt. 1993/1414.

Ṣadr al-Dīn Shīrāz, Muḥammad ibn Ibrāḥim. *Tafsīr al-Qurān al-Karīm*. Qum: Bīdār. 1988/1366.

Shādhilī, Sayyid Quṭb al-Dīn ibn Ibrāḥim. *fī Ẓalāl al-Qurān*. Beirut: Dār al-Sharq. 1993/1414.

Shāṭirī, Rūḥ Allāh. *Masʾūlīyat Akhlāqī Ḥukūmat-i Islāmī*. Tehran: Pazhūhishgāh Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2014/1392.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majmaʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Nāṣir Khusrū. 1994/1372.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurān*. Qum: Mūʾassisa al-Nashr al-Islāmī. 1996/1417.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurān*. Beirut: Dār Iḥyāʾ al-Tūrāth al-ʿArabī. s.d.

Zamakhsharī, Maḥmūd ibn ʿUmar. *al-Kashāf ʻan Ḥaqāʾiq al-Tanzīl wa ʿUyūn al-Aqāwīl fī Wujūh al-Taʾwī*. Beirut: Dār al-Kitāb al-ʿArabī. s.d.